

قانونهای عجیب غریب دنیا کدومان؛ چرا تاحالا چیزی ازشون نمی‌دونستیم؟

ربط قانونهای عجیب غریب دنیا با آرزوهای ما چیه؟

ما از بچگی یاد گرفتیم که یه سری قانونای عجیب غریب تو دنیا هست که بخوایم نخوایم باید ازشون پیروی کنیم. مثل قانون جاذبه که باعث می‌شه همه چی به سمت زمین کشیده بشه، یا قانون عمل و عکس‌العمل که وقتی یه چیزی رو فشار میدیم، اونم به همون اندازه بهمون نیرو وارد می‌کنه؛ حالا یا این قانونهای عجیب غریب دنیا رو بهمون یاد دادن، یا خودمون یواش یواش با تجربه یاد گرفتیمشون. اصلاً هم فرقی نمی‌کنه که برندهٔ جایزهٔ نوبل باشیم یا یه آدم معمولی. این قانونهای عجیب غریب دنیا روی همه‌ی ما به یه اندازه اجرا می‌شن؛ یعنی این‌جوری نیست که اگه مثلاً باسوادتر باشیم، زمین ما رو کمتر به سمت خودش بکشه! تنها فرقی اینجاست که کسی که این قانونا رو خوب می‌شناسه و میدونه چی کار می‌کنن، زحمت کمتری می‌کشه و زندگی‌ش راحت‌تر میشه؛ چون می‌تونه ازشون به نفع خودش استفاده کنه؛ مثلاً یه کشاورز که زمینش شیب داره، می‌دونه که آب همیشه به طرف پایین سرازیر میشه، حالا اگه چیزایی که آب بیشتری می‌خوانو پایین زمینش بکاره، حتماً موفق‌تر می‌شه، چون این‌جوری داره از قانون جاذبه به نفع خودش استفاده می‌کنه، حتی اگه اسمشونم ندونه!

قانونا کار خودشونو میکنن!

دنیای ما ریاضیه، یعنی چی؟ یعنی هرچی دوروبرمون می‌بینیم از یه سری قاعده قانون و فرمول پیروی می‌کنه. راحتتون کنم ما کلاً تو این عالم با یه سیستم پیچیده و ریاضی طرفیم که هرچی بهتر بشناسیمش، تو زندگی‌مون موفق‌تریم. البته ما خیلی از این قانونهای عجیب غریب دنیا رو می‌شناسیم؛ مثلاً می‌دونیم که یه قانونایی مثل جاذبه و اصطکاک و الکتریسیته وجود داره، اما این وسط یه سری قانونای غیرفیزیکی اما واقعی هم هستن که شاید کمتر شنیده باشیمشون، مثل بی‌نهایت‌طلبی، قضا و قدر یا حتی قانون امتحان.

نکته جالبش اینجاست که این قانونا هم مثل قانونای قبلی هستن، یعنی چه اونا رو بشناسیم و چه نشناسیم، کار خودشونو می‌کنن، اما مسلمه که اگه بشناسیمشون و تو تصمیمامون ازشون استفاده کنیم، هم زندگی واسمون راحت‌تر میشه و هم زودتر به خواسته‌هامون می‌رسیم.

بذارین خیالتونو راحت کنم، ما هیچ‌جوری نمی‌تونیم از تأثیر این قانونا رو آرزوها و خواسته‌هامون فرار کنیم، اما اینش خوبه که می‌تونیم یاد بگیریم چه‌جوری باهاشون کنار بیایمغ مثلاً قانون قضا و قدر می‌گه انتخابا و آرزوهای ما تو زندگی‌مون تأثیر مستقیم دارن؛ یعنی ما نمی‌تونیم یه آرزو داشته باشیم و انتظار داشته باشیم که واسمون هیچ پیامدی نداشته باشه؛ مثلاً آرزو کنیم که رشته پزشکی قبول شیم، اما توقع داشته باشیم که اصلاً با مریضا سروکار نداشته باشیم؛ یا مثلاً بریم خارج زندگی کنیم، اما انتظار داشته باشیم که فرهنگ اونجا هیچ اثری رومون نذاره.

حالا با این همه قانون چی کار کنم؟

پس اگه می‌خوایم تو زندگی به خواسته‌ها و آرزوهایمون برسیم، باید تو تصمیمامون دقت کنیم و آرزوها و انتخابامونو درست بچینیم. چون یه‌جورایی مسیر زندگی‌مون به همین خواسته‌ها و انتخابامون بستگی داره. خوبیش اینه که اگه ما قانونهای عجیب غریب دنیا رو درست بشناسیم و بدونیم که چه ربطی به آرزوهایمون دارن، هم می‌تونیم بهتر آرزو کنیم، هم آرزوهایمونو تو قد و اندازه واقعی خودمون انتخاب می‌کنیم. تازه آخرشم به هدفامون نزدیک‌تر می‌شیم.

مثلاً اگه ما تو زندگی‌مون اندازه‌ها رو خوب رعایت نکنیم و فقط به چیزای مادی اهمیت بدیم، خیلی چیزا بالا و پایین میشه؛ یعنی اگه همیشه دنبال خریدن بهترین گوشیا و لباسا و گرون‌ترین وسایل باشیم، قسمت حیوانی وجودمون که فقط به چیزای مادی اهمیت میده، قوی‌تر میشه و نمی‌ذاره من حقیقی و واقعی‌مون نفس بکشه.

یا تاحالا به این فکر کردین که چرا هیچ وقت از داشتن چیزای مختلف راضی نمی شیم و مدام از این شاخه به اون شاخه می پریم؟ مثلاً یه گوشی جدید می خریم، اما بعد از چند وقت دلمون یه مدل بهترشو می خواد. یا وقتی یه بازی جدید می گیریم، اولش خیلی هیجان زده ایم و همه وقتمونو باهاش می گذرونیم. ولی بعد از یه مدت دلمونو می زنه و دنبال یه بازی پرهیجان تر می گردیم؛ اگه یادتون باشه گفتیم این همون قانون بی نهایت طلبیه که می گه هیچ وقت واسه آرزوها و خواسته هامون پایانی وجود نداره!

درسته که ما نمی تونیم از دست این قانونهای عجیب غریب دنیا تو زندگیمون فرار کنیم، ولی قطعاً می تونیم یاد بگیریم که چه جوری باهاشون کنار بیایم یا حتی به نفع خودمون ازشون استفاده کنیم. مثلاً اگه بدونیم اینکه همیشه دنبال چیزای جدیدتر و بهتریم دلیلش بی نهایت طلبیمونه، خب سعی می کنیم مدیریتش کنیم. آخه هیچ چی تو دنیا نمی تونه ما رو کامل راضی کنه، و تنها راهش اینه که واسه برطرف شدن این میل مون بریم سراغ بی نهایت مطلق، یعنی خود خدا! اینجوری هم به آرامش واقعی می رسیم، هم از سردرگمی نجات پیدا می کنیم.

ما چه بخوایم چه نخوایم قانونهای عجیب غریب دنیا دنیا با آرزوها و خواسته هامون گره خوردن؛ پس اگه می خوایم به هدفمون نزدیک تر بشیم یا حتی راحت تر زندگی کنیم، بهتره تنبلی رو کنار بذاریم و زودتر بریم سراغشون.

وقتی اونیکه می خوایم، همیشه!

خیلی وقتا خیلی چیزا اون جوری که دلمون می خواد پیش نمیره. فکر کن یه باغبون هر روز به گل هاش آب بده، اما گل هاش روزبه روز پژمرده تر بشن یا یه بچه ای واسه امتحاناش خیلی تلاش کنه، ولی همیشه نمره هاش پایین باشه؛ خب معلومه که یه جای کار ایراد داره! وقتی یه چیزی رو خیلی می خوایم و همه جوره

واسش تلاش می‌کنیم، ولی بهش نمی‌رسیم، باید چی کار کنیم؟ قطعاً دنبال دلیلش می‌گردیم و یه جورایی واسه خودمون مشکل یابی می‌کنیم.

حالا همون جور که وقتی یه دستگاه کار نمی‌کنه، دنبال مشکلش می‌گردیم، می‌تونیم دنبال ایراد خواسته‌ها و آرزوهایی که برآورده نشدنم بگردیم؛ چون اگه با وجود تلاش زیاد به چیزی نرسیدیم، یعنی که روش ما با قانونای دنیا هماهنگ نبوده یا حتی برخلافشون بوده. واسه همینم باید اون قانونو پیدا کنیم و خودمونو باهاش هماهنگ کنیم.

مثلاً اگه دوست داریم تو یه رشته ورزشی مدال بیاریم، اما نمی‌یاریم، باید ببینیم مشکل داره از کجا آب می‌خوره! اینجا حتماً قانون قضا و قدرو درست رعایت نکردیم؛ یعنی رفتیم هرجوری دلمون خواسته رفتار کردیم، بعدشم گفتیم چرا ما تو فلان ورزش به هیچ‌جایی نمی‌رسیم! حالا اگه بخوایم خودمونو با قانونای این دنیا هماهنگ کنیم، باید تصمیمی بگیریم و انتخابایی داشته باشیم که نتیجه‌شون میشه مدال‌آوری؛ مثل انتخاب یه مربی خوب، تمرین منظم و زیاد زیر نظر مربی، تنظیم خواب و خوراک و...

میدونین ما دوتا گزینه بیشتر جلو رومون نداریم؛ یا باید این قانونا رو بفهمیم و بدونیم چه جوری به کارمون میان، یا باید خودمونو بزنییم به تنبلی و بی‌خیالی، بعدشم هی غافلگیر بشیم و عقب بیفتیم.

فکر کنم حالا که فهمیدیم این قانونای دنیا چقدر مهمن و چه نقشی تو رسیدن ما به خواسته‌هامون دارن، قطعاً می‌ارزه که بریم سراغشون و سر از کارشون دربیاریم! نظر شما چیه؟